خانه روبه‌رو چه خبر است؟

قسمت آخر

ایلیا موسایی

پلاک ۱۰۲

زن گفت «دیدی آخرش چطور شد؟» مرد از این پهلو به آن پهلو غلتید. گفت «قضیه این بچه‌ای که می‌گن چیه؟» زن گفت «چه عجب یه بار یه کاری رو به موقع انجام دادی؟» مرد داشت به زن نگاه می‌کرد. جوابی نداد. زن گفت «می‌گن یکی دوتا از همسایه‌ها رفته بودن دم درشون اینا هم کینه گرفته‌ان. اولش روی در و دیوار خونه‌شون کثافت مالیده بودن. روز بعد هم بچه‌شون گم شده» مرد گفت «بیا وقتی می‌گم ول کن و بیخیال شو واسه همین چیزاست» زن گفت «خوبه حالا...» مرد گفت «وقتی بدونی آدما چقدر می‌تونن خطرناک باشن اون‌وقت به همین حرف من می‌رسی» زن گفت «طفلک مادر بچه» مرد گفت «پدرش چی؟ اون طفلک نیست؟» زن گفت «نصیر... وقت گیر آوردی به خدا» مرد گفت «اگه من برعکس همینو می‌گفتم یا یه چیزی به نفع مردا... تا یه هفته جنگ داشتیم و حقوق زن‌ها پایمال می‌شد و بی‌عدالتی دنیا رو پر می‌کرد» زن همانجا که به دیوار تکیه داده بود، نشست. نم گوشه چشم‌هایش را گرفت. گفت «این قدر بی‌رحم نباش نصیر... تو مگه می‌تونی حال یه مادر داغ‌دار و درک کنی؟» مرد گفت «خب... حالا چی شد» زن گفت «چی شد دیگه. مادره اومده بود تو کوچه فقط جیغ می‌زد. اصلا تو حال خودش نبود... آدم دلش کباب می‌شد» مرد گفت «خونه این جنا رو می‌گم» زن دماغش را بالا کشید «سه تا تریلی آت‌آشغال از تو خونه آوردن بیرون. گوسفندا و حیوونا رو هم انداختن پشت یه وانت... بعضیا می‌گفتن اینا دوتا خونه دیگه هم دارن» مرد گفت «من که می‌گم از کارم بیام بیرون من و تو هم بریم زباله و پلاستیک جمع کنیم» زن گفت «می‌گن اینور اونور تو اداره‌های دولتی آشنا دارن... حتما برمی‌گردن و همسایه‌ها رو اذیت می‌کنن» مرد گفت «جدی بیا من و تو هم بریم تو کار همینا» زن گفت «حتی شوخی‌اش هم بده»...

پلاک ۹۸

دیدی آخرش زهر خودشونو ریختن!... کی فکرشو می‌کرد بیان بچه توکلی رو بدزدن... چرا بابا... مطمئن باش کار خودشون بوده. اون آدمایی که من دیدم، ازشون برمیاد همچین چیزی. تازه یاد اون‌روز می‌افتم... توکلی آتیشش از همه‌مون تندتر بود. دیدی دیگه... هم خوش‌صداست هم خوش‌صحبته... اولش با این خیال اومده بود جلو که دوتا جمله تأثیرگذار می‌گه و قضیه حل می‌شه... منم اگر جای تو بودم می‌خندیدم ولی امروز اگر توکلی و زنش رو می‌دیدی چطور خودشونو کشون کشون راه می‌بردن خنده‌ات خشک می‌شد... لابد بچه دیده دارن کثافت روی در خونه‌شون می‌پاشن، اینا هم بچه رو خفت کرده‌ان و برده‌ان... حالا تو اینو می‌گی ولی اگر دیده بودی‌شون الان عین من می‌گفتی کار خودشونه. اینا اصلا آدم‌های سالمی نبودن. تو بگو کدوم آدم می‌تونه تو اونجور جایی زندگی کنه... حالا اون‌روز نبودی ولی ظهر با چشمای خودت دیدی طویله‌شون چطوری بود... اگه زود نمی‌رفتی، توکلی و زنش رو هم می‌دیدی... با اون حالشون... طفلکا... آره یکی یک‌دونه بود... حالا من می‌گم کاش پیدا بشه... خدا می‌دونه با بچه چیکار کرده‌ان. تو اگر بودی ترجیح می‌دادی بچه‌ات مرده پیدا بشه یا اصلا پیدا نشه و ندونی مرده؟... حدس می‌زدم اینو بگی... کلا سرراست فکر می‌کنی... من می‌گم اگر هیچ‌وقت پیدا نشه بهتره. این‌طوری همیشه با خودت فکر می‌کنی بچه‌ات یه‌جایی، یه‌گوشه از دنیا داره زندگی می‌کنه... حتی می‌تونی تصور کنی خوشبخته و برای خودش یه زندگی خوب داره. مثل وقتی که بیرونی و یاد ماهی‌های توی آکواریوم خونه میفتی... ولی وقتی جسدشو تحویلت بدن دیگه نمی‌تونی با خیالش خوش باشی. تو همینو دوست داری چون می‌خوای همیشه تکلیفت با همه‌چیز روشن باشه. سرراست و واضح، حتی اگر زمخت و بد باشه... من می‌گم زندگی می‌تونه شکل‌های بهتری به‌خودش بگیره... آره... آره... با وجود آدمایی مثل این دیوانه‌ها نمی‌شه یه دنیای خوب تصور کرد... اون قضیه دود چی بود؟... لابد یکی از همسایه‌ها حسابی کینه گرفته و گفته اینا که آشغالدونی راه انداخته‌ان منم برم آتیش بزنم...

پلاک ۱۰۴

فقط جک‌وجانورها نیستند... صداها هم هست... اولش فکر می‌کردم صدای ناله‌های خودشان است... یک مرد و زن دیوانه چه چیزی ممکن است به‌هم بگویند. مثلا زن بگوید «بیا یه کم آشغال بخور» مرد بگوید «اشتها ندارم زن. شکمم پر از آشغاله» بعد زن سعی کند ساندویچ نصفه‌ای که از آن کرم می‌ریزد را توی هواتکان بدهد تا اشتهای شوهر را باز کند. بعد مرد بگوید «شیطونی نکن زن... اینجوری چاق می‌شم» عقم می‌گیرد. ولی یک صدای دیگر هم از دیشب اضافه شده... گوشم را که به زمین می‌چسبانم گریه‌اش را می‌شنوم. بعد از آتش آرام‌تر شده... ولی هنوز دارد ناله می‌کند... اگر بچه باشد امشب را توی وحشت می‌گذراند. باید از سر دیوار بپرم ببینم واقعا کسی هست یا نه... فکر نمی‌کردم آتش زدن خانه‌شان این قدر کیف بدهد... کاش خودشان هم توی آتش بودند... زن و شوهر هردوتاشان...

زنده‌سوزی در آتش‌سوزی بیمارستان

صداوسیما| آتش‌سوزی در بیمارستانی در پکن، پایتخت چین، ۲۱ کشته بر جای گذاشت. این آتش‌سوزی در طی نیم‌ساعت خاموش شد اما امدادگران تا دو ساعت پس از اطفای حریق، ۷۱ بیمار را از بیمارستان خارج کردند. تصاویر مردم که در تلاش برای حفاظت از خود در برابر آتش هستند، در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده است.

سقوط مرگ‌بار براثر ریزش پارکینگ طبقاتی

فارس| ریزش پارکینگ طبقاتی چهارطبقه در نیویورک یک کشته و پنج مجروح برجای گذاشت. طبق گفته مقامات محلی نیویورک، همه کارگرانی که آنجا در حال کار بودند از زیر آوار پیدا شدند. همچنین عملیات نجات فوق‌العاده خطرناک و سازه بسیار ناپایدار بوده است. طوری که آتش‌نشانان داخل مشغول عملیات نجات بودند و ساختمان درحال ریزش بوده است. در این عملیات آتش‌نشانان با فرستادن سگ رباتیک به داخل آوار، توانستند تصاویر ویدئویی ارسالی را دریافت کنند و به ارزیابی وضعیت ساختمان بپردازند.

شهرآرا
۵شنبه
۳۱ فروردین ۱۴۰۲
۲۹ رمضان ۱۴۴۴
شماره ۳۹۲۲
SHAHRARANEWS.IR

سرقت هالیوودی زن و شوهر معتاد

اعضای باند سرقت‌های سریالی در عملیات سیزده ساعته پلیس مشهد شناسایی شدند و به دام افتادند

مهدی قرآنی

گزارش

پرده اول: ساعت ۶ صبح یک روز بهاری

هیچ‌وقت فکرش را هم نمی‌کرد که با چنین صحنه‌ای روبه‌رو شود. ساعت ۶ صبح را نشان می‌داد که وارد مغازه شد. گردوخاک همه‌جا را فرا گرفته بود و ابتدا احساس می‌کرد سقف مغازه فروریخته است. با فروکش کردن گرد و غبار تازه عمق فاجعه برایش هویدا شد. دیوار کناری مشرف به خانه متروکه تخریب شده و سوراخی بزرگ در آن ایجاد شده بود.

دارونددارش، حتی ریزترین کالاهای داخل ویترین مغازه، ناپدید شده بودند. چه اتفاقی افتاده بود در آن لحظه، نه رهگذری دیده بود و نه همسایگان مرد آن ساعت حضور داشتند. موضوع را به پلیس گزارش کرد و زمانی نگذشت که مأموران دایره تجسس کلانتری کوی پلیس در محل حضور یافتند.

شواهد از یک سرقت خاص حکایت داشت. به گونه‌ای که سارقان با تخریب دیوار مجاور وارد مغازه شده و دارونددار مرد لوکس‌فروش خودرو را غارت کرده بودند. تحقیقات پلیسی برای شناسایی سارقان در دستور کار مأموران کلانتری کوی پلیس قرار گرفت.

پرده دوم: ترک مواد برای زندگی سالم

نمی‌دانست تحت چه عنوان او را از کمپ ترک اعتیار خارج می‌کنند. اول صبحی چند مأمور پلیس به کمپ مراجعه کردند و بعد از ارائه مشخصات، او را با خود بردند. به سمت مرکز شهر در حرکت بودند، نه مأموران چیزی می‌گفتند نه او حرفی به زبان می‌آورد. بعد از ساعتی خودرو پلیس مقابل کلانتری کوی پلیس متوقف شد و او را به داخل این مرکز انتظامی انتقال دادند.

داخل اتاقی که یک میز در وسط آن قرار داشت، هدایت شد و زمانی نگذشت که یک مأمور با درجه بالا وارد اتاق شد. آن‌طرف میز نشست و شروع می‌کند به پرسیدن چند سؤال.

■ **چند وقت است که به خانه‌ات سر نزده‌ای؟**

درست نمی‌دانم. از زمانی که دستگیر شدم و به کمپ ترک اعتیاد منتقل شدم.

■ **مردم محل می‌گویند خانه‌ات پاتوق بوده است؟**

گه‌گاهی دوستانم برای مصرف مواد به آنجا می‌آمدند.

■ **همه را می‌شناختی؟**

خیر. بعضی‌ها با واسطه می‌آمدند. من هم به خاطر اعتمادی که به دوستانم داشتم آن‌ها را راه می‌دادم.

■ **در زمان نبودنت، خانه در اختیار شخص یا اشخاصی بوده است؟**

در و پیکر درستی ندارد. هرکه بخواهد وارد آن می‌شود.

■ **می‌دانی از طریق خانه‌ات به مغازه مجاور آن دستبرد زده‌اند؟**

روحم خبر ندارد. کار من نبوده. من در حال ترک هستم و می‌خواهم زندگی‌ام را از نو بسازم.

افسر تحقیق پرونده چند تصویر که با دوربین‌های مداربسته چند روز قبل از ورود و خروج افراد به این خانه ثبت کرده بود را به مرد نشان داد و او چند نفر را شناسایی کرد. زن و شوهری جوان که مصرف‌کننده مواد هستند هم از افرادی بودند که او شناسایی کرد.

پرده سوم: دستگیری سارقان سر بزنگاه

چند نفر از مغازه‌داران به پلیس گفته بودند که از چند روز پیش به رفت‌وآمد زن و مردی ناشناس مشکوک شده‌اند که به خانه‌ای متروکه در محل تردد داشته‌اند. با مشاهده تصاویر این زن و مرد و تطبیق آن با فهرست مجرمان مشخص شد که این افراد از سارقان سابقه‌دار هستند. همین سرنخ موجب شد تا عوامل اطلاعاتی کلانتری کوی پلیس رد این افراد را در منطقه شهید رجایی مشهد بزنند و به سراغشان بروند. مأموران درست زمانی به محل رسیدند که مردی پنجاه‌وپنج ساله در حال چانه‌زنی بر سر قیمت اجناس لوکس خودرویی با زن و مرد جوان بود. این افراد با مشاهده مأموران قصد فرار داشتند اما مجریان قانون آن‌ها را دستگیر کردند و به کلانتری کوی پلیس انتقال دادند.

پرده آخر: روایت فرمانده

فرمانده انتظامی مشهد روز گذشته با اشاره به جزئیات پرونده سرقت خاص به سبک فیلم‌های هالیوودی بیان کرد: سحرگاه دیروز خبری مبنی بر سرقت از یک مغازه لوکس‌فروشی خودرو در منطقه گاراژدارها به مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ اعلام شد و مأموران دایره تجسس ما در کلانتری کوی پلیس در محل حاضر شدند.

سرهنگ احمد نگهبان افزود: در بررسی‌های اولیه مشخص شد که سارق یا سارقان با سوراخ کردن دیوار مجاور مغازه که مشرف به یک خانه متروکه بوده است، وارد محل شده و تعداد زیادی مانیتور خودرو، ضبط و پخش، باند، لوازم لوکس و ... به مبلغ تقریبی سه‌ونیم میلیارد ریال را سرقت کرده‌اند. این مقام ارشد انتظامی مشهد گفت: در تحقیقات اولیه مأموران مشخص شد خانه‌ای که سارقان از آن به داخل مغازه وارد شده‌اند متعلق به فردی است که در گذشته محل را به پاتوق معتادان متجاهر تبدیل کرده است. این فرد نیز هم اکنون در یکی از کمپ‌های ترک اعتیاد قرار دارد که با انتقال وی به کلانتری افراد مختلفی که به خانه او رفت‌وآمد داشتند، شناسایی شدند. برخی از همسایگان به زن و مردی جوان مشکوک شده بودند و تصاویر ثبت‌شده این افراد را نیز مالک خانه مورد نظر شناسایی کرد. طولی نکشید که آن‌ها در مخفیگاهشان در شهرک شهید رجایی پس از گذشت سیزده ساعت به دام افتادند.

سرهنگ نگهبان ادامه داد: متهمان اصلی که زن و مردی چهل و سی ساله و دارای سابقه کیفری هستند در حالی دستگیر شدند که مشغول چانه‌زنی سر فروش لوازم سرقتی به یک مال‌خر اموال مسروقه بوده‌اند. در این عملیات فرد مال‌خر نیز که از متهمان سابقه‌دار بود دستگیر شد. با انتقال متهمان پرونده به کلانتری کوی پلیس همه لوازم مسروقه از مغازه مال‌باخته نیز کشف و پس از تکمیل تحقیقات به شاکی بازگردانده شد.

رئیس پلیس مشهد بیان کرد: در تحقیقات تکمیلی این پرونده نیز مشخص شد که سارقان در محدوده سرقت خود یک خانه مسکونی را اجاره کرده و برای اینکه کسی به آن‌ها مشکوک نشود، لوازم سرقتی را به صورت جزءجزء به آن محل و سپس با کرایه یک دستگاه خودرو و پیکان‌وانت آن‌ها را به مخفیگاهشان در شهرک شهید رجایی انتقال داده‌اند. در ادامه پیگیری‌های پرونده نیز متهمان به سرقت از دو باب خانه مسکونی در شرق مشهد اعتراف کردند.

سرهنگ نگهبان گفت: پرونده متهمان به دام افتاده برای سیر مراحل قانونی در اختیار مقام قضایی قرار گرفت و تحقیقات از این افراد ادامه دارد.



عکس یکی از سارقان و مال خر اموال مسروقه به همراه کشفیات از مخفیگاه متهمان اصلی



روی خط حادثه

نقشه قاچاقچیان پشت مرزها سوخت

شهرآرا| قاچاقچیان سوخت، نقشه‌های کثیفی برای انتقال سوخت یارانه‌ای کشور به دیگر کشورها کشیده بودند اما مرزبانان نقشه‌های آن‌ها را نقش بر آب کردند. به گفته فرمانده مرزبانی خراسان رضوی، مرزبانان این فرماندهی با تجسس دقیق و مستمر و همچنین تنگ نمودن عرصه فعالیت قاچاقچیان، موفق شدند ۱۹ هزار و ۲۵۱ لیتر سوخت قاچاق به ارزش ۵ میلیارد و ۳۹۰ میلیون و ۲۸۰ هزار ریال را طی هشت روز از هفت دستگاه خودرو ترانزیتی کشف کنند. سردار مجید شجاع افزود: مرزبانان ضمن تشکیل پرونده برای متخلفان، این افراد را تحویل مراجع قضایی دادند.

توقیف دائمی بنز پلاک موقت

شهرآرا| مأموران پلیس راه به حرکت یک خودرو چند میلیارد تومانی در محورهای استان مشکوک شدند. این خودرو دارای پلاک گذرموقت بود. به گفته رئیس پلیس امنیت اقتصادی استان، این خودرو در راستای اجرای طرح برخورد با خودروهای قاچاق و پلاک مخدوش، از سوی مأموران اداره مبارزه با قاچاق کالا و ارز پلیس امنیت اقتصادی استان با همکاری مأموران پلیس راه در جاده متوقف شد. سرهنگ حسین جوانبخت افزود: در ادامه راننده خودرو مدارک و مستندات لازم مبنی بر داشتن مجوز تردد خودرو ارائه نکرد و این خودرو به پارکینگ منتقل شد. کارشناسان ارزش خودرو مورد نظر را ۷۰ میلیارد ریال برآورد کردند.

عملیات بزرگ پلیس در میرزا کوچک‌خان

شهرآرا| با اعلام خبری مبنی بر فعالیت گسترده فردی سودجو در امر تهیه و توزیع مواد افیونی در هسته مرکزی شهر مشهد به پلیس، پیگیری موضوع در دستور کار مأموران کلانتری میرزا کوچک خان قرار گرفت. مأموران دایره مبارزه با مواد مخدر کلانتری میرزا کوچک خان با اشراف اطلاعاتی مخفیگاه متهم راشناسایی و با هماهنگی مقام قضایی وی را دستگیر و در بازرسی از مخفیگاهش پنج کیلو حشیش کشف کردند. متهم چهل‌وشش ساله که دارای چند فقره سابقه کیفری است، پس از تشکیل پرونده مقدماتی برای سیر مراحل قانونی به مراجع قضایی معرفی شد.

آه آهو، دامن شکارچی را گرفت

شهرآرا| گزارش‌های مردمی نشان داد که فردی در منطقه شکار ممنوع نوبهار، اقدام به شکار غیرقانونی حیوانات کرده است. مأموران یگان حفاظت محیط زیست مه‌ولات با هماهنگی دادستان شهرستان و همکاری مأموران انتظامی به بازرسی خانه باغ این متخلف در یکی از روستاهای شهرستان اقدام کردند که اجزای لاشه یک رأس آهوی نر کشف و ضبط شد. در این باره پرونده‌ای تشکیل و برای رسیدگی به مرجع قضایی تحویل شد.

خسارت میلیاردی به خانه منفجر شده

شهرآرا| در پی تماس شهروندان با مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر شنیدن صدای انفجار از یک خانه مسکونی در بولوار طبرسی شمالی، بلافاصله مأموران انتظامی برای بررسی موضوع در محل حادثه حاضر شدند. با حضور مأموران کلانتری طبرسی شمالی در محل مشخص شد نشت گاز در یک ساختمان مسکونی و انفجار رخ داده منجر به تخریب خانه شده است. این حادثه خسارت جانی نداشت ولی حدود یک میلیارد ریال خسارت به لوازم و اثاثیه خانه وارده شد.

جدول ۳۷۲۵

